

تحلیل و بررسی مبانی فقهی روش های تربیت جنسی فرزندان

صدیقه کاویانی^۱

ربابه جعفری^۲

روح الله موسوی زاده^۳

چکیده

تربیت جنسی یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی تربیت بوده که در چگونگی شکل‌گیری شخصیت فرزندان نقش مهمی دارد، لذا باید در زمان مشخص و البته متناسب با مقتضیات سنی فرزندان و مبتنی بر شناخت نیازها و قابلیت‌های آنان انجام پذیرد. از سویی ابعاد گوناگون تربیت برای همه دوره‌های زندگی انسان، در متون غنی دین اسلام تجلی کرده و در دسترس قرار دارد. به گونه‌ای که اجرای آن‌ها آسان، کاربردی و متناسب با وضعیت زندگی افراد بوده و می‌توان به آن‌ها در قالب روش‌های تربیتی اشاره نمود. بر این مبنا در این مقاله که با روش تحلیل محتوا صورت گرفته است، مشخص شد: روش‌های تربیت جنسی در دو قالب روش‌های ایجاد و اصلاحی و باهدف هدایت صحیح غرایز جنسی، در متون فقهی - تربیتی منعکس شده است. جلوگیری از انجام عمل جنسی در برابر فرزندان، آموزش آداب اجازه گرفتن برای ورود به اتاق والدین، جلوگیری از دیدن اندام جنسی، جدا نمودن بستر کودکان، و خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودک توسط نامحرم جزو روش‌های اصلاحی، و آموزش احکام روابط جنسی، آگاهی دادن به فرزند نسبت به تغییرات جسمی در دوران بلوغ، نوازش و بوسیدن با شرایط خاص و فراهم آوردن شرایط ازدواج، از جمله روش‌های ایجاد و یادشده در آموزه‌های فقهی اسلام می‌باشند. **کلیدواژه‌ها:** تربیت جنسی، روش‌های تربیت جنسی، روش اصلاحی، روش ایجاد، مبانی فقهی.

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان؛ (نویسنده مسئول)

Mirbaghery34@yahoo.com

^۲ سطح سه گرایش اخلاق و تربیت اسلامی موسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (س)؛

Sadra.jafari96@gmail.com

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان؛ mosavizadeh@med.mui.ac.ir

مقدمه

یکی از قوی ترین غرایزی که در نهاد همه انسان ها وجود دارد غریزه جنسی بوده که بقای بشر به وجود آن بستگی دارد. در این زمینه آنچه حائز اهمیت است، هدایت و کنترل این غریزه خدادادی در سنین مختلف است. این میل از کودکی به حالت نهفته وجود داشته و به تدریج سر از وجود انسان بر می آورد و در دوره ی نوجوانی به اوج می رسد. لذا کودکان نیز عاری از انگیزه ی جنسی نبوده و در این زمینه به تربیت و مراقبت جدی نیاز دارند، چراکه در صورت عدم تربیت و هدایت صحیح این غریزه، کودک از همان سنین خردسالی به انحراف کشیده شده و گاه این انحراف تا پایان عمر با او همراه است. در این راستا هدایت و تربیت صحیح غریزه ی جنسی کودک، در قالب تربیت جنسی، یکی از مهم ترین و حساس ترین مسائل در حوزه های تربیت است که نقشی مهم در آینده و سعادت و شقاوت فرد دارد.

از سویی، بشر با همه ی پیشرفت خود در زمینه ی علوم و فناوری هنوز گرفتار بحران ها و نابسامانی های فراوانی در مسیر تعلیم و تربیت و به ویژه تربیت جنسی است. در تربیت جنسی نیز، همانند کل نظام تعلیم و تربیت، یک بینش کلی حاکم بر همه ی رفتارها و بایدها و نبایدهای آموزشی و تربیتی نیاز است، به گونه ای که بین آن ها نوعی ارتباط، انسجام، نظم و هماهنگی ایجاد کند. لیکن متأسفانه فقدان جهان بینی صحیح و نداشتن نظام تربیتی مبتنی بر مبنای غیرمادی، و داشتن دیدی صرفاً مادی و فیزیولوژیک به تربیت جنسی، و غفلت از جنبه های روانی، اخلاقی و اجتماعی آن، باعث شده که بشر در این تلاطم و آشفتگی، همچنان غوطه ور بوده و نه تنها پیشرفت نکند، بلکه در مراحل سیری نزولی نیز بیابد. از این رو باید این سؤال را پرسید که چگونه باید این نقصان را برطرف نمود و آیا دین می تواند در این ارتباط نظامی ارائه کند یا خیر؟

در این راستا با نگاهی موشکافانه به تعالیم دین اسلام، به خوبی می توان این بینش را از متون فقهی دینی دریافت و در قالب ساختاری مدون ارائه نمود. توصیه های فراوان ائمه (علیهم السلام) به مراقبت از فرزندان در این زمینه همچون پرهیز از بوسیدن دختر و پسر پس از شش سالگی توسط نامحرم، منع از در آغوش گرفتن کودک ممیز توسط اجنبی، جداکردن رختخواب فرزندان از یکدیگر، کراهت عمل زناشویی در برابر فرزندان و احکامی مشابه، بیانگر وجود این بینش و نظام

تربیتی است. لذا ارائه‌ی این ساختار تربیتی ضرورت و هدف این بحث را تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است در زمینه‌ی مباحث مرتبط با تربیت جنسی، تحقیقات بسیار وسیعی صورت پذیرفته، لیکن یا اکثریت آن از دیدگاه متون فقهی اسلام نبوده و مربوط به نظریه‌پردازان غربی است و یا هیچ ارتباطی با روش‌های تربیت جنسی ندارند. البته تعداد اندکی از منابع مرتبط با این موضوع نیز به بررسی و شرح تربیت جنسی، از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند: فقهی (۱۳۸۷) در کتاب "تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث"، پس از بیان مبانی تربیت جنسی، به شیوه‌های آموزش و تربیت جنسی و رفتارهای نابهنجار جنسی، عوامل، راه‌های پیشگیری و درمان آن از منظر اسلام پرداخته است. کتاب "بازشناسی تربیت جنسی با رویکردی اسلامی"، نوشته یوسفی (۱۳۸۹)، با رجوع به تعاریف و مفاهیم غربی و مقایسه آن با دیدگاه‌های اسلامی، به سراغ احادیث و فتاوی فقهی مرتبط با تربیت جنسی و ازدواج و انحرافات جنسی رفته است. ثابت (۱۳۹۰) نیز، در تحقیق خود با عنوان "تربیت جنسی در اسلام"، مراحل رشد جنسی در انسان، عوامل تأثیرگذار بر رفتار جنسی و اصول و روش‌ها در تربیت جنسی را عنوان نموده است. موسوی و محمدی (۱۳۹۱) در کتاب "تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها" نظریه‌ها و دیدگاه‌های مطرح درباره تربیت جنسی را ارائه و به صورت ویژه به بررسی اهداف و ابعاد تربیت جنسی در نظام تربیتی اسلام پرداخته‌اند. "تربیت جنسی در اسلام: آموزه‌ها و راهکارها" از مرویان حسینی (۱۳۹۵) نیز، با تکیه بر منابع اسلامی، آموزش‌های والدین در مراقبت از بیداری جنسی کودکان را ارائه نموده است.

در این زمینه و با موضوع مقاله‌ی پیش رو، شیرازی و عابدی (۱۳۹۵) در مقاله "بررسی احکام فقهی در زمینه‌ی تربیت جنسی" با پیگیری دو هدف اصلی تنقیح و تبیین مسائل تربیتی - جنسی، به گردآوری مجموعه‌ای از احکام فقهی در مقوله تربیت جنسی پرداخته‌اند. در مقاله "فقه و ارائه راهکارهایی در جهت تربیت جنسی و پیشگیری از انحرافات جنسی" از نجفی پورثانی و سالاری (۱۳۹۵) هم، عمده‌ترین اصول تربیتی جنسی مطرح شده در آیات و روایات، پیشگیری از انحرافات جنسیتی و آموزش شیوه‌ها و روش‌های کنترل تحریکات جنسی، در فقه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. لذا همان‌گونه که از پیشینه این بحث هویدا است هرچند تعداد معدودی از

تحقیقات پیرامون مسئله تربیت جنسی با تکیه بر آموزه های فقهی اسلام نگاشته شده، لیکن ظاهراً همین تعداد معدود نیز، تاکنون به بررسی روش های تربیت جنسی با تکیه بر آموزه های فقهی نپرداخته اند! از این رو، از آنجاکه تحقیقی مدون با این موضوع به سرانجام نرسیده است، این مقاله در نظر دارد با روش تحلیل محتوا و با بررسی مضامین و محتوای متون فقهی - تربیتی، روش های مدونی را استخراج و ارائه نماید تا بینش حاکم بر تربیت جنسی والدین را بهبود بخشد.

۱- تربیت جنسی

مباحث غریزی و به خصوص امور مربوط به غریزه جنسی، از مهم ترین دغدغه های مربوط به حوزه انسان و روان شناسی است که ظهور و تجلی آن در اندام و اخلاق و رفتار انسان ها مورد بحث و بررسی علمای اسلام و به منظور جلوگیری از لغزش ها و انحرافات جنسی ضمن استفاده صحیح از غریزه جنسی قرار گرفته است. بر این مبنا غریزه جنسی، همانند دیگر ابعاد انسان نیازمند «تربیت» بوده و هر فرهنگ و مکتبی نوع خاصی از تربیت را در پیش می گیرد. از دیدگاه اسلام تربیت جنسی، یعنی فراهم سازی زمینه های رشد و پرورش غریزه جنسی به گونه ای که هم «عفت جنسی» حاصل شود و هم «سلامت جنسی». لذا این از ویژگی های دیدگاه دینی است که علاوه بر سلامت جنسی، به عفت جنسی نیز می اندیشد. نکته ی مهم دیگر این که؛ تلاش برای تحقق این اهداف متوقف بر فرارسیدن دوران بلوغ نیست، بلکه در دیدگاه دینی، تربیت جنسی پیش از دوران بلوغ جنسی و تقریباً از آغاز تولد شروع می شود. بر همین اساس، تأمین این اهداف در هر دوره سنّی، نیازمند اقدامات و تدبیرهای خاصی است که در متون دینی به آن ها پرداخته شده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

با این اوصاف به نظر می رسد که تربیت جنسی، عبارت است از این که «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به گونه ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد، قادران وجود خویش باشد و به آن افتخار کند، نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با هم جنس و جنس مخالف را فراگیرد، آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا نموده، با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردیده و در سایه ی آن، به آرامش

برسد. در ضمن به گونه ای توانمند شود که عواطف و فعالیت های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب خشنودی خداوند، به کار گیرد». با توجه به این تعریف، تربیت جنسی قلمرو وسیعی را در بر گرفته و شامل فعالیت های تربیتی ای است که از آغاز زندگی، گام به گام و در جهت رشد متعادل و متناسب غریزه جنسی صورت می گیرد تا فرد، با وظایف و رفتارهای جنسی آشنا شده و به اهداف تربیتی جنسی از قبیل رحمت و مودت و آرامش در زندگی و سلامت روح و روان رسیده و نسل او نیز تداوم پیدا نماید (فقیهی، ۱۳۸۷: ۲۱). در این زمینه طرز رفتار مادر و پدر در برخورد با مسائل پیرامون غریزه جنسی و نحوه رفتار مریبان تربیتی و تعلیمی در مدرسه، در جلوگیری از اشاعه مسائل انحراف جنسی نقشی بسیار مؤثر دارد. علاوه بر این، ایجاد محیط های سالم تفریحی و تربیتی و پر ساختن اوقات فراغت به نحوی مطلوب و نفی عوامل محرک غریزه از جلوی چشم دختر و پسر، عواملی سازنده در کنترل و اصلاح غریزه جنسی و تربیت آن است (امین زاده، ۱۳۷۶: ۳۲۴).

۲- فقه تربیتی

واژه "فقه" از آغاز، به معنای مطلق و وسیع آگاهی و بصیرت حاصل از اندیشیدن، کاوش و عمق نگری در همه تعلیمات دینی به کاررفته است. لذا تصور درست اندیشه اسلامی از فقه، تفقه در کل دین و فراگیری همه معارف و احکام اسلام، اعم از اصول و فروع و اخلاقیات بوده است. از این رو فقه و تفقه در دین، که مورد عنایت اسلام بوده شامل همه ابعاد و تعلیمات دینی است، اعم از آن که به اصول اعتقادات اسلامی و جهان بینی اسلامی ارتباط داشته باشد، یا با اخلاقیات و تربیت اسلامی، یا با اجتماعیات اسلامی، یا عبادات اسلامی، یا مقررات مدنی اسلامی، و یا آداب خاص اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی. نظر اسلام این است که مسلمانان، اسلام را در همه ابعاد به طور عمیق و از روی بصیرت درک کنند (جواهری، ۱۳۸۷: ۲۸). از سویی رسالت اصلی اخلاق و نظام تربیتی نیز، تثبیت و استحکام عناصر اعتقادی دین نزد دین داران بوده و پایبندی به حلال ها و حرام ها در زندگی و اجرا نمودن مسائل فقهی، در اصل وسیله ای برای صیقل دادن درون و برون انسان به منظور پذیرش خالصانه و صادقانه ایمان که جوهر اصلی دیانت است، می باشند (لطفی، ۱۳۸۰: ۲۸). البته که انسان نیز، موجودی است اجتماعی و برای زندگی در جامعه، نیاز به

قوانین و برنامه های صحیحی دارد که چگونگی ارتباط خود را با دیگران تنظیم نماید. در واقع، سعادت و رستگاری فرد و جامعه، در گرو رعایت و عمل به احکام و قوانینی است که در قرآن تحت عنوان اوامر و نواهی الهی ذکر گردیده و در فقه اسلامی از آن ها به عنوان «واجب» و «حرام» یاد می شود. به طور کلی فلسفه و جوب و حرمت احکام، ریشه در صلاح و فساد دارد که مستقیماً آثار مطلوب و عواقب نامطلوب آن ها در رفتار و کردار انسان ظاهر می گردد. بنابراین، در اصل، عمل واجب و خوب دارای مصلحت و عمل بد و حرام، دارای مفسده ای است که از دیدگاه تعلیم و تربیت، در رفتار و اخلاق فردی و اجتماعی انسان بازتاب مثبت و یا منفی دارد (فرهادیان، ۱۳۹۰: ۳۹۵).

لیکن اغلب می پندارند نسبتی میان فقه و تربیت نبوده و آن را بیشتر سهم اخلاق و علمای اخلاق می دانند. گویا فقه، مشتی خط کشی های خشک است که وظیفه اش حفظ اولیات شرعی است و بس، اما این گونه نیست! اخلاق، روحی است که در تن فقه دمیده می شود و آن را زنده می کند و به حرکت درمی آورد. این تلقی از آن روست که هدف تشریح، تربیت است و فقه نیز برای تربیت انسان تنظیم شده است، یعنی انسان برای رشدیابی و کمال یافتگی، باید کارهایی را بکند و از کارهایی بپرهیزد. این بایده و نبایدهای رشد دهنده، در قالب فقه، ابلاغ شده است. نگاه تربیتی به فقه، یعنی باورمندی به این حقیقت که اهداف تربیتی دین در قالب بایده و نبایدها نمودار می شود. این نگاه به فقه، ذهن فقیه را به اغراض شارع نزدیک می کند و فقه سنتی را به درجه ای از پویایی و گره گشایی می رساند که حیات دینی بدون آن ممکن نباشد. لذا بر پایه اصالت حقیقت، "فقه" تجسم و عینیت نظام تربیتی اسلام است (اکبرنژاد، ۱۳۹۵: ۴۸۶-۴۸۵). بنابراین فقه و تربیت هیچ گاه از هم جدا نبوده و دو مقوله درهم تنیده اند و باید در راستای امور تربیتی از متون فقهی نیز بهره و استمداد جست.

۳- روش های تربیتی

منظور از روش های تربیتی، فنون و شیوه ها و رفتارهایی است که اهداف و اصول تعلیم و تربیت را به ثمر می رساند و به آن ها عینیت می بخشد؛ بنابراین "روش" بخش کاربردی تعلیم و تربیت است (بهرامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۴). البته به دلیل پیچیدگی رفتار آدمی و با توجه به علل و انگیزه های

متعددی که در هماهنگی وی با برنامه تربیت و پیروی یا سرپیچی او از محتوای این برنامه دخالت دارد، باید شیوه‌های گوناگونی را به تناسب موقعیت‌های مختلف در جهت ایجاد انگیزش و تطابق رفتار فرد با اهداف تربیتی به کار بست تا در نهایت به حصول نتیجه‌ای مطلوب امیدوار شد. از این رو، مکتب تربیتی اسلام، روش‌های متنوع و گوناگونی را برای نیل به این هدف در نظر گرفته است (الهامی نیا، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۱). بر این مبنا روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، از جایگاهی مهم برخوردار است و درخت پرثمر تربیت، آنگاه به بار می‌نشیند که نکات تربیتی در قالب شیوه‌ها و روش‌های درست و مناسب در امر تربیت فرزندان به اجرا درآید (یوسفیان، ۱۳۸۶: ۱۰۷). از سویی روش‌های زیادی در حوزه‌ی تربیت پیشنهاد شده و در این زمینه می‌توان روش‌ها را به انواع گوناگونی تقسیم نمود. تقسیم روش‌ها بر اساس "حوزه‌ی تأثیر" یا "حوزه‌ی عمل"، بر اساس "نوع تأثیر"، یا بر مبنای "ابعاد تربیت"، تقسیم روش‌ها مبتنی بر "نتیجه"، یا "عام و خاص" بودن و تقسیم آنان بر اساس "گستره و قلمرو تربیت"، همه، تنوع روش‌های تربیتی را می‌رساند. این دسته‌بندی بدان دلیل است که برخی روش‌های تربیتی برای همه ابعاد تربیتی قابل اجراست و برخی روش‌های تربیتی، مخصوص یک بعد تربیت است. البته هر کدام از این تقسیمات از جهتی قابل توجه و مفید می‌باشد، بنابراین پذیرش یک تقسیم، موجب نفی تقسیمات دیگر نمی‌شود (رضایی، ۱۳۹۳: ۲۱۹-۲۱۷)؛ لذا با توجه به گستردگی این روش‌ها، در این تحقیق تنها به روش‌های "بر اساس نوع تأثیر" که به دو زیرمجموعه‌ی "روش ایجاد‌ی" و "روش اصلاحی" تقسیم می‌شود، پرداخته خواهد شد. مراد از روش‌های ایجاد‌ی، روش‌هایی است که تأثیر آن ایجاد و تثبیت رفتارهای نیکوست و در این باره روش‌های سمعی و بصری ماندگارتر می‌باشند. روش‌های اصلاحی نیز، به آن دسته از روش‌های تربیتی می‌گویند که تأثیر اجرای آن‌ها، حذف یا کاهش برخی رفتارهای نامطلوب خواهد بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

۴- روش‌های تربیت جنسی مبتنی بر آموزه‌های متون فقهی

بی شک قسمتی از کامیابی‌ها و موفقیت‌های بشر بستگی به نوع تربیت جنسی او دارد، چراکه تکامل و تعالی انسان، بسته به تربیت و وارستگی در همه‌ی محورهای وجودی اوست که غریزه‌ی جنسی نیز یکی از این محورها می‌باشد. در این راستا هر مکتبی که مدعی تأمین خوشبختی و

سعادت بشر می‌باشد، باید برای غریزه‌ی جنسی انسان هم، برنامه داشته و پاسخ روشنی به آن دهد. البته در برخورد با این بخش از ماهیت انسان، مکاتب مختلف واکنش‌های متفاوتی نشان داده‌اند. برخی مرکز ثقل زندگی انسان را غریزه‌ی جنسی شمرده‌اند و در ارضای این غریزه، راه افراط را در پیش گرفته که منجر به پیدایش بی‌بندوباری جنسی گردیده است. از سوی دیگر، برخی به بهانه‌ی تدین و تقدس، این بخش از ماهیت انسان را نادیده گرفته و حتی سخن گفتن از آن را نادرست شمرده‌اند که موجب پیدایش پدیده‌ی تبّئ و رهبانیت جنسی در صدر اسلام شده است که البته ممکن است رگه‌هایی از آن، هنوز هم وجود داشته باشد (فقیهی، ۱۳۸۷: ۲۰). بر این مبنا اسلام برای تربیت جنسی صحیح و به‌تبع آن، پیشگیری از پیدایش رفتار نابهنگام جنسی و یا حتی درمان این رفتار در انسان نیز، پیش‌بینی‌هایی کرده است. تمهیدات اسلام برای تعدیل غریزه جنسی و رفتار درست جنسی، در قالب آموزه‌های فقهی دین مبین اسلام به‌وضوح هویدا است که در این قسمت به بررسی و تحلیل این آموزه‌ها بر مبنای دو روش ایجابی و اصلاحی و با تحلیل روایات مرتبط پرداخته خواهد شد.

۴-۱- روش‌های اصلاحی

همان‌گونه که گفته شد روش‌های اصلاحی به آن دسته از روش‌های تربیتی می‌گویند که هدف آن‌ها، حذف یا کاهش رفتاری ناپسند، اعم از رفتار ظاهری یا مسائل درونی همچون تفکرات ناصحیح و ناپسند است. برخی از این روش‌ها که با توجه به آموزه‌های فقهی در تربیت جنسی فرزندان مؤثرند عبارت‌اند از:

الف) جلوگیری از انجام عمل جنسی در برابر فرزندان

چگونگی روابط زناشویی والدین در منزل، از جمله عوامل مؤثر در سلامت و یا انحراف جنسی فرزندان به شمار می‌آید. این مسئله بیش از آنچه تصور می‌شود از اهمیت برخوردار است، لذا نیاز به عنایت و توجه بیشتری دارد (سهراب پور، ۱۳۹۰: ۳۲). از سویی برخلاف این تصور که کودک تا زمان بلوغ، از میل جنسی بی‌بهره است و هر رفتاری که در برابر او داشته باشند تأثیری در او نخواهد داشت، چون غریزه‌ی جنسی از ابتدای تولد در وجود انسان وجود دارد، لذا کودکان هم

تحریک می شوند و هم، حتی طبق نظر دانشمندان به «ارگاسم (اوج لذت جنسی)» می رسند (فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). بر این مبنا در آموزه های فقهی به منظور پیشگیری از تحریک جنسی و بلوغ زودرس فرزندان، به حفظ حریم زناشویی والدین در برابر فرزندان اشاره شده و با توجه به روایات موجود در این زمینه اغلب علماء حکم به کراهت عمل زناشویی در مقابل نوزادان و کودکان فاقد قدرت تشخیص و فرزندان غیر ممیز داده اند. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۸۶).

البته با توجه به مفاد روایاتی که در این باب وارد شده است، دو موضوع قابل تأمل است؛ اول اینکه عمل زناشویی تنها به معنای جماع به معنای خاص نمی باشد، بلکه هرگونه ملاعبه و نزدیکی در برابر فرزندان نابالغ مکروه شمرده شده است. دیگر آن که این حکم با توجه به اطلاق روایات، شامل کودک غیر ممیز هم می شود (طباطبایی، ۱۴۰۵، ج ۲۳: ۱۳۶).

قابل ذکر است از جمله روایات مستندی نیز که این حکم را به خوبی ترسیم می کند فرمایش پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) می باشد که می فرمایند: قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر مردی با همسرش هم بستر شده و در آن لحظه، کودکی در خانه بیدار باشد و آن ها را ببیند و یا حتی صدای نفس زدن آن ها را بشنود، هیچ گاه رستگار نمی شود، (چرا که) چه پسر باشد و چه دختر، زناکار خواهد شد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۳۲). بنابراین طبق روایات متعدد و تصریح شده در متون فقهی، انجام اعمال جنسی حتی در برابر کودک غیر ممیز نیز با تربیت جنسی صحیح منافات داشته و لازم است والدین دقت کافی در این زمینه را داشته باشند.

ب) آموزش آداب اجازه گرفتن برای ورود به اتاق والدین

با توجه به تأثیر فوق العاده تصویرسازی جنسی بر ذهن و فکر فرزندان، آموزه های دینی بر این نکته تأکید دارند که نه تنها والدین باید برای خود حریم قرار داده، رعایت زمان و مکان مناسب را بنمایند، که باید به فرزندان آموزش دهند هنگام ورود به حریم آن ها از پدر و مادر کسب اجازه کرده و بدون هماهنگی وارد خلوتگاه آنان نشوند. همچنان که خداوند متعال در قرآن کریم به صورت صریح به این مسئله اشاره کرده است. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ

عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ". "وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ". (نور: ۵۹-۵۸). در این راستا پدر و مادر وظیفه دارند که آداب و چگونگی ورود به محل استراحت و اتاق خود را به فرزندان خویش آموخته، تا برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت خلوت آنان، اجازه بگیرند. پیش از نماز صبح، وقت استراحت نیم روزی (ظهر) و پس از نماز عشاء (هنگام خواب شب)، سه زمان خلوت پدران و مادران به حساب می آید. این دستور قرآنی به منظور آگاه نشدن فرزندان از وضعیت متناسب با خواب و استراحت والدین در اتاق هایشان، و فلسفه و حکمت تشریح حکم اذن گرفتن فرزندان برای دیدار با والدین می باشد. اهمیت موضوع از آن روست که هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز شود، ممنوع می باشد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۳۰۰-۲۹۸)، چون دیدن روابط نزدیک والدین، تربیت صحیح جنسی کودکان را با اخلال مواجه می کند.

در راستای این آیه مبارکه، روایتی نیز مطرح شده که مورد بحث و تحلیل علماء قرار گرفته است. شخصی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیده و از ایشان سؤال کرد: آیا مرد برای وارد شدن بر پدرش باید از او اجازه بگیرد؟ امام جواب دادند بله، من هم برای وارد شدن بر پدرم اجازه می گرفتم و... (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۵۲۸). البته نظرات پیرامون این حدیث مختلف است. عده ای از علماء معتقدند این حدیث استحباب اجازه گرفتن برای ورود را می رساند و هیچ قرینه ای بر انحراف ظهورش بر وجوب اجازه گرفتن نیست (حکیم، ۱۳۱۶، ج ۱۴: ۵۲). در مقابل این نظر، استدلال علمایی دیگر این است که بعید است حدیث مذکور، دلالت بر اخلاقی بودن و استحباب اجازه گرفتن داشته باشد، بنابراین همان گونه که حضرت (علیه السلام) بر خود لازم می دیدند برای ورود اجازه بگیرند، بر دیگران هم لازم است برای ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند، در نتیجه از نظر ایشان اجازه گرفتن امری لازم و واجب است (شیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۹۴۷).

قابل ذکر است بنا بر نظر برخی از علمای دیگر نیز، آیه مذکور بر لزوم کسب اجازه هنگام ورود دیگران در اوقات سه گانه به صورت مطلق دلالت دارد؛ لذا حکم لزوم کسب اجازه هنگام ورود بر دیگران در این اوقات مطلقاً واجب است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲: ۷۸). بر این اساس، در

اوقات سه گانه که اغلب زمان های خلوت والدین و روابط خاص آنان است، لازم است فرزندان، چه بالغ و نابالغ، چه ممیز و غیرممیز، و چه والدین در کنار هم باشند یا خیر، برای ورود و دخول به اتاق والدین، اجازه بگیرند؛ لذا آموزش آداب این کسب اجازه یکی از روش های اصلاحی والدین می باشد که می تواند منجر به حذف یا کاهش رفتاری ناپسند در فرزندان شود.

ج) جلوگیری از دیدن اندام جنسی

نگاه به اندام های جنسی کودک و نگاه کودک به اندام های جنسی بزرگسال، دو جنبه فقهی و تربیتی دارد. نگاه کردن برای کودک، حرمت فقهی ندارد و برای بزرگسال نیز با وجود عدم ریه حرام نمی باشد، لیکن نمی توان آثار تربیتی پوشیدگی و عریانی را نادیده گرفت. چه کودک، عورت دیگران را ببیند و چه دیگران، عورت وی را ببینند، قبح این کار از میان رفته و موجب بی مبالاتی و بی پروایی کودک شده و هرزگی را در او نهادینه می کند. اما کودکانی که با این گونه موارد مواجه نبوده اند، توان مقاومتشان در برابر انحراف جنسی و میزان عفافشان از دیگران بیشتر است. از این رو، در متون دینی توصیه می مکرر شده که نه به عورت کودک نگاه کرده، و نه بگذارید او به اندام جنسی دیگران نگاه کند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۰۲).

در این راستا در اسلام احکام مربوط به لزوم خودداری از دیدن عورت کودکان و همچنین دیدن عورت والدین توسط فرزندان، در مباحث فقهی زیادی چون آداب غسل، آداب استحمام، آداب تخلیه و... مورد توجه و دقت نظر قرار گرفته است. از جمله روایاتی که در این باب مطرح شده، روایتی از امام صادق (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) می باشد که فرمودند: مرد نباید پرسش را با خودش به حمام ببرد تا (خواستہ یا ناخواستہ) به عورت او نگاه کند، همچنین والدین نیز، حق ندارند به عورت فرزندان خود نگاه کنند. همچنین در روایت دیگری فرموده اند: پیامبر (صلوات الله علیه و آله) لعنت نموده کسی را که به عورت دیگری نگاه می کند، و کسی را که بدون پوشش در حمام است و دیگران به عورت او نگاه می کنند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۵۰۳). در این زمینه باید متذکر شد این روایات ناظر به حرمت نگاه کردن به دیگران می باشد و هم ناظر و هم منظور الیه را شامل می شود. البته ملاک در این حرمت، ممیز بودن طرفین است و غیر ممیز از قاعده خارج می شود، چراکه غیر ممیز، فهم و ادراکی ندارد. با این توضیحات

می توان گفت برای زن مانعی نیست که پسر پنج ساله خود را غسل دهد و یک مرد هم می تواند دختر غیر ممیز خود را غسل دهد؛ بنابراین ملاک در حرمت نگاه کردن، ممیز بودن است و فرقی نمی کند که ناظر و منظور ایه هم جنس باشند، یا غیر هم جنس (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۵۲).

البته برخی از علماء عظام معتقدند این روایت، ضعف سندی داشته و دلالتی بر حرمت نگاه کردن به عورت غیر ممیز ندارد. دلیل ایشان نیز، سیره قطعیه ای است که افراد، مانعی برای نگاه کردن به عورت اطفال نداشته اند، زیرا اطفال برای نظافت و ازاله نجاسات خود نیاز به کمک مادران و مربیان داشته و بدون دخالت آن ها، برای طفل امری دشوار است که به تنهایی این کارها را انجام دهد (اصفهانی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۳۸۶).

به طور کلی آنچه از مجموع نظرات در این باب استفاده می شود این است که مخاطب این حکم، در درجه اول والدین و در درجه دوم فرزندان بالغ می باشند. البته با توجه به حدیث رفع که تکلیف از نابالغان برداشته شده است: وَضِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَ خِصَالٍ: الْخَطَاءُ، وَالنِّسْيَانُ، وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، ... (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۴۶۳، ح ۲) می توان استناد کرد که این حکم بر مکلفین مترتب می شود و مکلف به احکام، افراد بالغ هستند؛ بنابراین آنچه لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که مخاطب و مکلف این حکم، والدین بوده و شارع مقدس در مقام بیان یک حکم تکلیفی و تربیتی برای والدین و در راستای اجرای تربیت صحیح جنسی است، بدان معنا که شرع به علت آثار تخریبی این موضوع، بر والدین واجب و لازم می داند فرزندان خود را به گونه ای تربیت نمایند که نه تنها در مقابل دیگران عورت خود را ظاهر نکنند که خود او نیز، عورت دیگران را نظاره نکند.

د) جدا نمودن بستر کودکان

از جمله روش هایی که به منظور پیشگیری از تحریک جنسی و به تبع آن بلوغ زودرس در فرزندان باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع جداسازی بستر خواب فرزندان می باشد. یکی بودن بستر کودکانی که به سن تمیز رسیده اند، ممکن است به تماس های بدنی نادرست، تحریک جنسی زودهنگام و حتی روابط نامشروع منجر شود. البته این مسئله باید در مورد فرزندان که از لحاظ جنسیت باهم تفاوت دارند بیشتر مورد توجه قرار گیرد. لذا یکی از تدبیرهای دین برای جلوگیری

از این آسیب، حذف زمینه‌ی آن، یعنی جداسازی خواهرها و برادرها از یکدیگر می‌باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

در این راستا دین اسلام سفارش فراوانی بر جداسازی بستر خواب فرزندان از هم نموده است، چنانچه امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: محل خواب بچه‌های شش‌ساله باید از هم جدا باشد، و همچنین پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه و آله) فرموده‌اند: رختخواب کودکان ده‌ساله، چه پسر با پسر و چه دختر با دختر، باید از یکدیگر جدا باشد (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۳۶۹).

لذا غالب فقهای امامیه با توجه به ظاهر احادیث و بر مبنای روایات موجود در این باب، حکم به وجوب جداسازی بستر کودکان از یکدیگر داده‌اند. ولی در مقابل عده‌ای از فقها نیز، با توجه به قرائن و دلیل‌های خاص، حکم به مستحب بودن این امر کرده‌اند. گروهی از علمای معاصر نیز عقیده دارند ظاهر امر در این احادیث، وجوب جداسازی بین اطفال در ده‌سالگی است. ولی سیره قطعیه، قرینه‌ای خلاف ظهور دارد و ظهور را از واجب به مستحب منحصر می‌کند (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹: ۱۷۴). برخی از علماء نیز ذیل احادیث مذکور می‌فرمایند: ظاهر احادیث وجوب جداسازی است، ولی بنای اصحاب برخلاف وجوب می‌باشد و به مستحب متمایل است (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۵۲: ۱۴). در هر صورت آنچه حائز اهمیت است این است که؛ اصل موضوع جداسازی بستر کودکان از آن جهت که تأثیر به‌سزایی در تربیت صحیح جنسی فرزندان دارد، مورد توجه و دقت نظر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بوده و به تکرر در آموزه‌های فقهی وارد شده است.

ه) خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودک

بوسیدن کودک توسط نامحرم (و نه والدین)، هرچند در صورت عدم ریه حرمت فقهی ندارد، لیکن اثر منفی آن بر کودک ممیز قابل انکار نیست، چرا که ارتباط بوسه‌ای نامحرم با کودک در روح او نقش بسته و در آینده، رابطه‌ی او با نامحرم را تسهیل ساخته و حفظ عفافش را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. از این‌روست که نامحرم‌ان به بوسیدن کودکان توصیه‌شده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

در این زمینه زراره روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل نموده که فرموده باشند: هنگامی که دختر آزاد به سن شش‌سالگی برسد، شایسته نیست کسی او را ببوسد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۵۳۰).

البته در مورد بعد از شش سالگی ظاهر بعضی از روایات حرمت این کار را می‌رساند. از دیگر دلایل حرمت این موضوع نیز، روایتی است که نشان می‌دهد، از امام علی (علیه‌السلام) سؤال شد کودک نامحرمی خود را در آغوش من می‌اندازد و من او را بلند می‌کنم و می‌بوسم، حکمش چیست؟! امام (علیه‌السلام) در پاسخ فرموده‌اند: اگر دختر شش ساله شده است، او را روی پای خود نشان (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴: ۱۷۰). استنباط حرمت بوسیدن از این روایت از آنجا فهمیده می‌شود که؛ همان‌گونه که قرار دادن کودک روی پا، در روایت مذکور حرام می‌باشد، و از آنجاکه تهییج و تحریک و بوسیدن و در آغوش گرفتن، بیشتر از روی پا گذاشتن است، لذا به طریق اولی هر دو کار حرام است. البته در این زمینه در برخی از روایات، استنباط کراهت در این باب، این‌گونه قابل بررسی است که در بعضی از روایات عبارت "لاینبغی" آمده و یا در بعضی از روایات سن پنج سال ذکر شده و سن شش سالگی مطرح نشده است. همچنین دلیل دیگری که کراهت حکم را می‌رساند همان سیره معمول و متعارف بین مردم است که اغلب از این کار اجتناب نمی‌کنند؛ لذا سیره، دلالت بر عدم حرمت دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱۳).

بر این مبنا با بررسی نظرات فقهی که در ذیل روایات این باب مطرح شده است می‌توان گفت عده‌ای از فقها قائل به حرمت بوسیدن و بغل کردن کودکان ممیز هستند. البته به ظاهر، در باب آغوش گرفتن و جواز بوسیدن کودک نامحرم تا قبل از شش سالگی، اختلافی وجود نداشته که سیره عملی معمول بین مردم هم همین مسئله را تأیید می‌کند. در هر صورت با وجود روایات مرتبط با این موضوع، مشخص می‌شود خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن اطفال توسط نامحرم، از نظر آموزه‌های روایی فقهی مورد توجه بوده و اهمیت بازگو نمودن منع آن در روایات متعدد، بی‌شک به علت تأثیر آن در تربیت صحیح جنسی کودکان می‌باشد.

۴-۲- روش‌های ایجاد

در مقابل روش تربیتی اصلاحی، روش تربیتی ایجاد قرار دارد که همان موارد ایجاب و جنبه‌های مثبت تربیت را شامل می‌شود. در اصل مراد از روش‌های ایجاد، روش‌هایی است که تأثیر آن را در ایجاد رفتاری تازه، یا تداوم و تثبیت رفتارهای نیک و درست در فرزندان می‌توان مشاهده نمود. لذا در ذیل به تعدادی از روش‌های ایجاد تربیت صحیح جنسی فرزندان که در

آموزه‌های فقهی اسلام بیان شده است اشاره می‌شود:

الف) آموزش احکام روابط جنسی

هدف اسلام، تربیت «انسان کامل» است و انسان کامل، جز در سایه‌ی ارضای متعادل نیازهای روحی و جسمی‌اش شکل نمی‌گیرد. از این رو، دین به آموزش در این خصوص پرداخته و در موارد ضروری با صراحت ولی بدون پرده‌داری، مسائل لازم را (چه در آیات و چه در روایات) آموزش داده است. مثلاً در آیات الهی، از آموزش کودکان برای ورود به اتاق والدین گرفته تا افرادی که ازدواج با آن‌ها جایز است و محدوده‌ی رفتار جنسی به هنجار و نابهنجار ذکر شده است. در روایات نیز، حتی به ریز مسائل مربوط به رفتار جنسی همچون روابط کودکان با والدین، روابط کودکان با جنس مخالف و هم‌جنس، شرایط ازدواج، ویژگی‌های یک همسر خوب، ساعات مناسب برای رابطه‌ی زناشویی و ... پرداخته شده است (فقیهی، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۳). بر این مبنا آموزش احکام پیرامون مسائل و روابط جنسی خصوصاً مسائل مهم و مبتلا به ای چون حرمت خود ارضایی، حرمت زنا، هم‌جنس‌بازی و ... به فرزندان، در تربیت آنان بس مؤثر بوده و باید حکم فقهی آن را به فرزندان آموخت تا تربیت جنسی آنان به مخاطره نیفتد. لذا در این راستا در ذیل به صورت مختصر به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- آموزش حرمت خود ارضایی

یکی از موضوعات مهم قابل طرح برای روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت که آن را به‌عنوان یک رفتار غلط و ناهنجار جنسی توصیف می‌کنند، مسئله خود ارضایی است. خود ارضایی مخرب‌ترین و ویرانگرترین انحراف جنسی است که جسم و روح را به اختلال می‌کشد و موجب اختلال در رشد کامل جنسی، لاغری، ضعف شخصیت و اراده، و تقلیل نیروی جسمی روانی می‌گردد و ممکن است تا آخر عمر فرد مبتلا را از یک ازدواج و زناشویی موفق محروم کند. البته در کنار تقبیحی که کارشناسان تربیتی نسبت به خود ارضایی بیان می‌کنند، دین اسلام با نگاه خاص و ویژه، انسان‌ها را از انجام این عمل منع کرده و حتی در احادیث به تقبیح و سرزنش فاعل آن اشاره شده و مرتکبان این عمل از ملعونین درگاه الهی شمرده می‌شوند. در مورد حکم فقهی این عمل نیز، باید گفت که از مصادیق گناهان کبیره و حرام شمرده می‌شود و تمام روایات و احکام

فقهی دال بر حرمت این عمل شنیع دارند (صاحب جواهر، ۱۴۰۳، ج ۴۱: ۶۴۷). لذا والدین باید در محیطی دوستانه و در زمانی مناسب این موضوع را با فرزند خود در میان گذاشته و او را با عواقب خطرناک این عمل آشنا سازند.

۲- آموزش حرمت زنا

آموزه‌های دین مبین اسلام، رابطه زن و شوهر را که بر اساس موازین شرعی و عقد رسمی تحقق پیدا می‌کند مورد تأکید قرار داده و آیات و روایات فراوانی در مورد اهمیت ازدواج و روابط زناشویی شاهد بر این مدعاست. بنابراین حریم نگه داشتن میان زن و مرد نامحرم در متون روایی و در سیره معصومین (علیهم‌السلام) بارها عنوان شده است، از سویی ارتباط نامشروع با جنس مخالف، از جمله افعالی است که به عنوان نماد ناهنجاری جنسی در جامعه شناخته می‌شود. از این رو فقها نسبت به حرمت زنا اجماع داشته و با توجه به آیات قرآن در حرمت این عمل، زنا را از گناهان کبیره می‌دانند (حلی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۴۶۹). در این راستا لازم است والدین مسائل مربوط به این رابطه‌ی ناهنجار را در زمان مقتضی به فرزندان خود گوشزد نمایند.

۳- آموزش حرمت هم‌جنس‌بازی

هم‌جنس‌گرایی از نظر اسلام جزو گناهان کبیره و از نظر فقهی حرام محسوب می‌گردد و مجازات سنگینی نیز بر آن قرار داده شده است. از سویی در روایات اسلامی زشتی و پلیدی این کار بیشتر از زنا بیان شده و در روایتی از پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه و آله) مرتکبان این عمل را وعده عذاب الهی داده است. در این راستا و با استناد به روایات، فقهای امامیه حرمت هم‌جنس‌بازی را مطرح و انجام آن را از محرمات الهی دانسته‌اند.

این مسئله تا آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که در ابواب حدود اسلامی، حد آن اعدام قرار داده شده است، و حتی برای کسانی که مراحل پایین‌تر هم‌جنس‌بازی را انجام می‌دهند، مجازات شدیدی ذکر شده است. هم‌جنس‌گرایی چه در مردان باشد و چه در زنان، در اسلام از گناهان بسیار بزرگ و هر دو دارای حد شرعی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۴۶). لذا این مساله را باید به فرزندان آموخت و حکم الهی آن را به آنان یادآوری نمود.

از این روست که آشنا نمودن به موقع فرزندان با احکام دینی فقهی، و انتظاراتی که خدا و

اولیای الهی از او دارند، باعث می شود او شخصی متعهد و عامل به فرامین الهی تربیت شده، به انجام رفتارهای نابهنجار اخلاقی روی نیاورده، نسبت به آن ها حیا نموده و رفتارهای نیک در او نهادینه شود.

ب) آگاهی دادن به فرزند نسبت به تغییرات جسمی در دوران بلوغ

هنگامی که انسان به مرحله بلوغ می رسد دگرگونی هایی در اندام و احساسات او پدید می آید و در همه ی جوامع این حالت را آغاز ورود به صحنه ی مسئولیت و احکام می دانند. در این مرحله، گزینه جنسی شروع به فعالیت می کند و قدرت تولیدمثل آغاز و صدا درشت می شود. این دوره منشأ تغییرات زیادی در وجود شخص می باشد (قاسمی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۸۳). در این زمان از آنجاکه نوجوانان به ناگاه در وضعیت بی سابقه ای قرار می گیرند و غرایز و احساسات مخصوصی در وجودشان بیدار می شود و آن ها را در وضعیت غافلگیرکننده ای قرار می دهد، لازم است که والدین، آگاهی ها و آمادگی های لازم را نسبت به این امور، در اختیار نوجوانان قرار دهند. بسیاری از نوجوانان که به نحوی گرفتار انحرافات جنسی شده اند، علت انحراف خود را ناآگاهی و جهالت می دانند و از اینکه به موقع، توسط خانواده راهنمایی نشده اند، اظهار تأسف کرده اند. بنابراین، آگاه کردن به موقع فرزندان، به ویژه در زمینه ی مسائل بلوغ از جمله ی وظایف والدین است و بهتر است در مورد پسر، این وظیفه را پدر و در مورد دختر، مادر بر عهده بگیرد (محمدیان، ۱۳۸۸: ۱۹۴-۱۹۲).

در این زمینه برای تربیت جنسی نوجوان، والدین دو وظیفه ی کلی و اساسی دارند. یکی این که او را با حقایق بیولوژیک جنسی به صورت صحیح آشنا کنند تا او بداند دستگاه های جنسی اش چگونه کار می کنند و تأمین بهداشت آن ها چگونه امکان پذیر است. دیگر این که به او آموزش دهند چگونه میل جنسی خود را با توجه به احکام دینی فقهی و با توجه به ارزش های اخلاقی و فرهنگی جامعه ارضاء کند تا از انحراف و پیدایش اضطراب و عوارض روحی روانی دیگر در امان باشد (فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). بر این مبنا آشنا نمودن فرزندان به این تغییرات توسط آموزه های فقهی راهی بس کاربردی در راستای تربیت جنسی صحیح می باشد. زمانی که یک مادر در وقت مقتضی مثلاً احکام فقهی حیض را به دخترش تعلیم داده یا یک پدر حکم فقهی احتلام را به فرزند پسر

خود می آموزد، فرزندان با تغییرات جسمی خود آشنا شده و والدین آنان توانسته اند تربیت جنسی مناسب و به موقعی را برای فرزند خود رقم زنند.

در این راستا باید متذکر شد آیات و روایات نیز، نه تنها به این تغییرات اشاره نموده که بعضاً به وضوح، مسائل و حواشی پیرامون آن را شرح داده و تغییرات جسمی فرزند را حد و ملاک تمامی احکام فقهی دانسته اند. بر این اساس لزوم آشنایی با آن ها و تأثیر آن در تربیت صحیح جنسی آشکار خواهد بود.

ج) نوازش و بوسیدن با شرایط خاص

نوازش و بوسیدن کودک از مراحل مهم در تربیت جنسی او هستند، لذا لازم است که کودک به اندازه ی کافی هم از جانب پدر، و هم مادر، در آغوش گرفته شده و بوسیده شود؛ زیرا نیاز کودک به محبت و تأمین آن از سوی والدین، اساس و پایه ی تربیت را تشکیل می دهد. از سویی بررسی های متعدد درباره کودک ثابت کرده است که محبت، مهم ترین عامل سلامت روح کودک بوده و فقدان آن، موجب ناهنجاری های روانی و حتی جنسی خواهد شد. در این راستا باید متذکر شد وظیفه پدر و مادر، تنها تأمین نیازهای اولیه ی فرزند همچون خوراک و پوشاک نیست، بلکه فراتر از آن آبیاری کردن مزرعه دل های آنان با آب حیات بخش محبت و عطف است. از این رو امام سجاد (علیه السلام) مهر ورزیدن به کودک را در زمره ی حقوق او شمرده و در این ارتباط فرموده اند: و اما حق کودک، مهر ورزیدن به او، پرورش و آموزش وی، و گذشت و پرده پوشی از خطاهای کودکانه ی وی و نرمش و کمک کردن به او است (سلمانی گواری، ۱۳۹۳: ۱۲۸). بر این اساس بهترین ابزار محبت نمودن به کودکان در اوان تولد، نوازش، بغل گرفتن و لبخند زدن به صورت آنان است. چرا که کودک در این دوران باید امنیت عاطفی و حمایت مادر را با تمام وجودش حس نماید. البته پدر نیز باید در نوازش و ابراز محبت به فرزند خردسالی مشارکت داشته و بکوشد از همان بدو تولد، او را در آغوش بگیرد و با تبسم به او نگاه نماید و از این نظر چیزی کم نگذارد. در این راستا باید دقت شود روش نوازش کودک زمانی که قدری بزرگ تر شد، کمی تغییر می کند. برای مثال در سنین یک سال به بالا، دست محبت به سر آن ها کشیدن و روی زانو نشاندن بهترین راه تأمین محبت است. همانگونه که روش پیغمبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) در خانواده نیز، این بود که هر روز صبح دست محبت بر سر فرزندان خود

می کشیدند (یوسفیان، ۱۳۸۷: ۸۱).

در این زمینه و با توجه به اهمیت بوسیدن فرزند، روایات متعددی از معصومان (علیهم السلام) ذکر شده است. از جمله امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) نقل فرموده اند که: بوسیدن فرزند نیکویی است و پاداش این نیکویی ده برابر است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۱۹۴). مفضل بن عمر هم می گوید: بر امام موسی کاظم (علیه السلام) وارد شدم، دیدم آن حضرت فرزند خود را بر دامن خود نشانده و می بوسد و گاه او را بر شانه اش می گذارد و گاه او را در آغوش می گیرد (همان، ج ۱۸: ۵۵۷). از سویی در این زمینه روایتی مطرح شده که مردی خدمت رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) آمد و گفت: من تا به حال هیچ یک از فرزندانم را نبوسیده ام. هنگامی که آن شخص از نزد رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) رفت، حضرت (صلوات الله علیه و آله) درباره ی او فرمودند: این مرد نزد من اهل دوزخ است!

لذا با توجه به کثرت روایات وارده در این موضوع در متون فقهی تربیتی، باید گفت: توصیه معصومین (علیهم السلام) به بوسیدن فرزند و نوازش او، از آن جهت است که کودک خواستار نوازش، محبت، خنده و داد و ستد عاطفی است. بر این اساس ابراز علاقه به کودک، احساس امید به زندگی و عزت نفس او را بالا می برد که این، زمینه ساز موفقیت های آینده او خواهد شد و در مقابل، کمبود محبت خلائای روحی و روانی بسیاری را ایجاد خواهد کرد. بر این اساس بوسیدن و نوازش فرزندان، نقشی بی بدیل را در تربیت جنسی آنان ایفا می نماید.

د) فراهم آوردن شرایط ازدواج

ازدواج مرحله ی مهمی از زندگی هر دختر و پسری است که یکی از مهم ترین مراحل تربیت جنسی بوده و هنگامی به صورت یک دوره ی موفق پشت سر گذاشته خواهد شد که شرایط اجرای آن فراهم شود. مهم ترین این شرایط، رشد همه جانبه ی طرفین ازدواج است، یعنی رسیدن به سن خاصی که در این سن، معمولاً هم قوای جنسی آنها فعال شده و هم از حیث عاطفی و عقلانی، به سطح خاصی رسیده اند. به همین دلیل است که زمان دقیقی را نمی توان برای این سطح از رشد تعیین نمود (فقیهی، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

در این زمینه برخی از اخبار و احادیث وارده، تأکیدی شدید در تسریع ازدواج دارند. دستور

اسلام این است که اگر کسی شرایط و معیارهای ازدواج را داشت، درنگ به خود راه ندهد و تعجیل کند، زیرا سستی کردن در چنین امر مهمی آثار مخرب جنسی روانی را می‌تواند به دنبال داشته باشد (غضنفری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۲۴). پیامبر (صلوات‌الله‌علیه و آله) فرموده‌اند که جبرئیل به من گفت: هرگاه در دوشیزگان احساس زنانه (میل جنسی) ایجاد شود، دواپی برای آن‌ها جز همسر وجود نخواهد داشت، در غیر این صورت آن‌ها از فساد در امان نخواهند بود، چرا که آن‌ها بشرند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۹). با توجه به این روایت، هنگامی که والدین مشاهده می‌کنند که تمایلات جنسی در دخترشان بیدار شده و احیاناً ممکن است روابطی جسته و گریخته حتی در حد صحبت کردن با پسران داشته باشد، باید شرایط ازدواج او را فراهم نمایند و گرنه رها کردن او به حال خویش، زمینه‌ی فاسدشدن را در او فراهم می‌آورد. البته این مسئله در مورد جوانان پسر نیز صادق است، به‌ویژه آن‌هایی که در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که پدر آن‌ها تمکن مالی دارد و قادر به تزویج و حمایت مالی پسر است. اگر در این صورت، در امر ازدواج پسرش کوتاهی کند و پسر به گناه بیفتد، پدر هم در گناه او شریک است.

با توجه به این مسائل است که پیامبر (صلوات‌الله‌علیه و آله) گوشزد نموده‌اند: هرکس پسری داشته باشد که نیازمند ازدواج است و او توان مزدوج کردن پسرش را دارد، لیکن او را به ازدواج در نمی‌آورد، اگر آن فرزند مرتکب گناهی شود، او نیز در گناه فرزندش سهیم خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۶). از این رو، در آموزه‌های فقهی تصریح شده است کسی که به‌واسطه‌ی نداشتن همسر به حرام می‌افتد، واجب است همسر بگیرد تا غرایز جنسی او به راهی صحیح هدایت گردند. بر این مبنا با توجه به اهمیت ازدواج جوانان، پدر و مادر در این زمینه نقش و وظیفه‌ی ویژه‌ای دارند تا جایی که اسلام آن را یکی از حقوق فرزندان قرار داده است. البته در این راستا لازم است آموزش‌هایی نیز توسط والدین به فرزندان داده شود تا تربیت صحیح جنسی در این مرحله نیز به خوبی صورت پذیرد.

نتیجه گیری

بی شک قسمتی از کامیابی ها و موفقیت های بشر بستگی به نوع تربیت جنسی او دارد، چراکه تکامل و تعالی انسان، بسته به تربیت و خودسازی در همه ی محورهای وجودی اوست که غریزه ی جنسی نیز یکی از این محورها می باشد. بر این مبنا در تربیت جنسی هم همانند کل تعلیم و تربیت، به ارائه ی یک بینش کلی حاکم بر همه ی رفتارها و بایدها و نبایدهای آموزشی و تربیتی نیاز است، به گونه ای که بین آنها نوعی انسجام، ارتباط، هماهنگی و نظم ایجاد کند. لذا هر مکتبی که مدعی تأمین خوشبختی و سعادت بشر می باشد، باید برای غریزه ی جنسی برنامه داشته و پاسخ روشنی به آن دهد. توصیه های فراوان ائمه اطهار (علیهم السلام) بیانگر وجود این بینش و نظام تربیتی بوده و می توان آن را در قالب ساختاری مدون ارائه نمود. لذا در این تحقیق ساختار تربیتی مدنظر، با توجه به روش های تربیتی «اصلاحی» و «ایجادی» دسته بندی و تدوین گردید.

در بحث روش های اصلاحی و با واکاوی روایات و متون فقهی، محققین به چند روش دست یافتند: جلوگیری از انجام عمل جنسی در برابر فرزندان یکی از توصیه های مؤکد معصومین (علیهم السلام) می باشد که بر اساس روایات موجود، مراجع حکم به کراهت شدید آن داده اند. البته عمل زناشویی تنها به معنای جماع به معنای خاص نمی باشد. بلکه با توجه به مفاد روایاتی که در این باب وارد شده است، هرگونه ملاعبه و نزدیکی در برابر فرزندان حتی فرزندان نابالغ مکروه شمرده شده است. آموزش آداب کسب اجازه فرزندان برای ورود به اتاق والدین نیز یکی از روش های تربیت جنسی صحیح می باشد. این دستور دینی که به تکرر در روایات تأکید شده، به منظور آگاه نشدن فرزندان از وضعیت متناسب با خواب و استراحت پدران و مادران در اتاق هایشان و فلسفه و حکمت تشریح حکم اذن گرفتن فرزندان برای دیدار با والدین است. اهمیت موضوع از آن روست که هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز شود، ممنوع بوده و باید حذف گردد تا تربیت صحیح جنسی کودکان را با اخلال مواجه نکند. جلوگیری از دیدن اندام جنسی روش اصلاحی دیگری است که در روایات به آن تأکید فراوان شده است. در راستای این روایات، در اسلام احکام مربوط به لزوم خودداری از دیدن اندام جنسی کودکان و همچنین دیدن اندام جنسی والدین توسط فرزندان، در مباحث فقهی زیادی چون آداب

استحمام، آداب غسل و... مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

جدا نمودن بستر کودکان راه کاربردی اصلاحی دیگری در جهت تربیت جنسی فرزندان می باشد. اهمیت موضوع از آن روست که یکی بودن بستر کودکانی که به سن تمیز می رسند، ممکن است به تماس های بدنی نادرست، تحریک جنسی زودهنگام و حتی روابط نامشروع منجر شود. خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودک توسط نامحرم و البته از سنین خاصی نیز، از توصیه های اهل بیت (علیهم السلام) می باشد. بوسیدن کودک توسط نامحرم، هر چند در صورت عدم ریه، حرمت فقهی ندارد، اما اثر منفی آن بر کودک ممیز، پوشیده نیست. لذا لازم است که این رفتار در جهت تربیت جنسی صحیح کودک، حذف گردد.

در این نوشتار در مسیر تبیین تربیت جنسی مبتنی بر آموزه های فقهی دین مبین اسلام به چند روش ایجادیه نیز پرداخته شد. روش هایی که انجام آن ها منجر به بازدهی مثبت شده و کمک کار والدین، در تربیت صحیح جنسی می باشد. آموزش احکام روابط جنسی یک از این روش ها می باشد. آشنا نمودن فرزندان با احکام دینی فقهی، و انتظاراتی که خدا و اولیای الهی از او دارند، باعث می شود کودک شخصیتی متعهد و علاقه مند به راهنمایی ها و قوانین خداوند بیابد و از مسیر هدایت فطری، اخلاقی و الهی منحرف نگردد. بر این مبنا والدین با آموزش به موقع این احکام، تربیت جنسی موفق را برای فرزندان خود رقم خواهند زد. آگاهی دادن به فرزند نسبت به تغییرات جسمی در دوران بلوغ نیز، یکی از این روش های ایجادیه است. با آکاوی روایات مندرج در متون فقهی، به وضوح مشخص می شود که اسلام به تغییرات جنسی در اوایل بلوغ اهمیت داده و بارها و بارها به آن اشاره نموده و حتی این نشانه ها و تغییرات، ملاک فقهی همه احکام الهی می گردد، لذا لازم است که فرزند با آن ها آشنا شود تا باعث تربیت صحیح جنسی و به موقع او گردد. یکی دیگر از روش های ایجادیه مطرح شده در آموزه های فقهی، نوازش و بوسیدن کودک توسط والدین است که مهم ترین عامل سلامت روح کودک بوده و فقدان آن، موجب ناهنجاری های روانی و حتی جنسی خواهد شد. اهمیت موضوع بدین جهت است که کمبود محبت، خلاهای روحی و روانی بسیاری از جمله دور شدن از محیط خانواده و گرایش به جنس مخالف را ایجاد خواهد کرد. بر این اساس بوسیدن و نوازش فرزندان نقشی بی بدیل را در تربیت

جنسی آنان ایفا می‌نماید. فراهم آوردن شرایط ازدواج نیز، آخرین راهکار ارائه شده در این تحقیق می‌باشد که باعث ایجاد تربیت جنسی موفق خواهد گردید. در فقه اسلامی، تصریح شده است کسی که به واسطه‌ی نداشتن همسر به حرام می‌افتد، واجب است همسر بگیرد تا غرایز جنسی او به راهی درست هدایت گردند. بر این مبنا با توجه به اهمیت ازدواج جوانان، پدر و مادر در این زمینه نقش و وظیفه‌ی ویژه‌ای دارند تا جایی که اسلام آن را یکی از حقوق فرزندان قرار داده است.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷)، **المهذب البارع**، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، **من لا یحضره الفقیه**، جلد ۳، قم: انتشارات اسلامی.
۳. اسلامی نسب، علی، (۱۳۷۹)، **تربیت جنسی کودک از دیدگاه علم و اسلام**، تهران: نسل نواندیش.
۴. اصفهانی، محمدتقی، (۱۴۲۷)، **تبصره الفقهاء**، جلد ۱، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۵. اکبر نژاد، محمدتقی، (۱۳۹۵)، **کلام فقهی**، قم: دار الفکر.
۶. امین زاده، محمدرضا، (۱۳۷۶)، **فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی**، قم: موسسه درراه حق.
۷. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، **النکاح**، جلد ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
۸. بهرامی، غلامرضا، (۱۳۸۵)، **کلیدهای زرین: درآمدی بر اصول تربیت**، جلد ۱، قم: انتشارات دلیل ما.
۹. جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۶)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت**، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۱۰. جواهری، محمدرضا، (۱۳۸۷)، **اجتهاد در عصر ائمه معصومین**، قم: بوستان کتاب.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، **وسایل الشیعه**، جلد ۲۰ و ۱۸ و ۱۵ و ۱۴ و ۲، قم: موسسه آل البيت.
۱۲. حکیم، محسن، (۱۴۱۶)، **مستمسک العروة الوثقی**، جلد ۴ و ۱۴، قم: انتشارات دار التفسیر.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴)، **تذکره الفقهاء**، جلد ۴، قم: انتشارات آل البيت.
۱۴. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، **مصباح الفقاهه**، جلد ۳۲، قم: نشر مدینه العلم.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، **پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی**، جلد ۷، قم:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.

۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، فلسفه احکام و تربیت (انبیاء و اهل بیت)، قم: نسیم حیات.
۱۷. رضایی، مهدیه، (۱۳۹۳)، قرآن و تربیت اجتماعی کودک، قم: نشر پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۱۸. سلمانی گواری، ابوالفضل، (۱۳۹۳)، سیره خانوادگی ائمه معصوم، قم: مجمع جهانی اهل بیت.
۱۹. سهراب پور، علی، (۱۳۹۰)، خلوت شیطانی: خود ارضایی و راه درمان آن، قم: نشر معارف.
۲۰. سیفی مازندرانی، علی اکبر، (۱۴۲۹)، دلیل تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۱۹)، النکاح، جلد ۳، قم: موسسه رای پرداز.
۲۲. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، جلد ۴۱، بیروت: دار الاحیاء التراث.
۲۳. طباطبایی، علی بن محمد، (۱۴۰۵)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادلة، جلد ۲۳، قم: انتشارات آل البيت.
۲۴. غضنفری، علی، (۱۳۸۲)، ره رستگاری، جلد ۲، قم: لاهیجی.
۲۵. فرهادیان، رضا، (۱۳۹۰)، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، قم: بوستان کتاب.
۲۶. فقیهی، علی نقی، (۱۳۸۷)، تربیت جنسی مبانی اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.
۲۷. قاسمی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، دانشنامه فقه پزشکی، جلد ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹)، الکافی، جلد ۵، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۲۹. لطفی، اسدالله، (۱۳۸۰)، مبادی فقه، قم: موسسه انتشارات هجرت.

۳۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۵) حکمت نامه کودک، عباس پسندیده، قم: انتشارات دارالحدیث.

۳۱. محمدیان، مجید، (۱۳۸۸)، روش های تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام، قم: دارالهدی.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵)، انوار الفقاهه، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب.

۳۳. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، قم: موسسه النشر لجامعه المقید.

۳۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۸)، تفسیر راهنما، جلد ۱۲، قم: بوستان کتاب.

۳۵. هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۹۵)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

۳۶. الهامی نیا، علی اصغر، محمدمهدی، محمدی، (۱۳۷۶)، تعلیم و تربیت در اسلام، جلد ۲، قم: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۳۷. یوسفیان، نعمت الله، (۱۳۸۶)، تربیت دینی فرزندان، قم: انتشارات زمزم هدایت.

۳۸. یوسفیان، نعمت الله، (۱۳۸۷)، مدیریت در خانه و خانواده، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.